

آسیب شناسی کاربرد بلاغت در شعر کودک (در دهه‌های ۷۰ تا ۹۰)

افسانه موسوی گرمارودی^۱، احمد خاتمی^{۲*} و مریم جلالی^۳

چکیده

این مقاله به تبیین اصول بلاغت و فصاحت در شعر کودک پرداخته است. آنچه شاعر کودک با حفظ کودکانگی، برای ایجاد کلامی روان، آسان و شاعرانه به آن نیاز دارد. ابتدا بسامد و فراوانی استفاده شعرا از علم معانی تا بیان و بدیع، طرح شده، سپس شیوه درست و نادرست کاربردی آنها مطرح گردیده است. همچنین نمونه‌هایی از مشکلات بلاغی رایج در شعر کودک ارائه شده است و پرکاربردترین شیوه‌های بلاغی در شعر کودک طرح گردیده و با مقایسه نمونه‌های مناسب و غیرمناسب، اصول بلاغت و فصاحت شعر کودک بیان شده است. براساس این پژوهش، شیوه و میزان به کارگیری انواع علوم بلاغی با در نظر گرفتن دایره لغات و فهم کودک و آنچه مخلاً فصاحت در شعر کودک است، مطرح گردید. مبنای کار این پژوهش براساس نظریه‌ها و اصول بلاغی است که در تحقیقات پایه‌ای شعر نگاشته شده و شیوه کتابخانه‌ای به کارگرفته در این پژوهش با توجه به جامعه آماری آن و نتایج به دست آمده جزو پژوهش‌های نادر در این حوزه به شمار می‌رود و شیوه نامه‌ای برای استفاده شعرا در سرودن شعر کودک ارائه می‌دهد.

کلید واژه‌ها: بلاغت، فصاحت، شعر کودک، آسیب شناسی، شیوه‌های بلاغی.

^۱ - دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

^۲ - گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

a_khatami@sbu.ac.ir

^۳ - گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. (استاد مشاور)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۰۸

تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۱۱/۲۵

مقدمه

ادبیات «گونه‌ای خاص از نوشتن است که باعث پیشرفت همه طبقات جامعه می‌شود و به واسطه استفاده از قوه تخیل و دانش قضاوت و به واسطه درگیر کردن ذهن با مسایل اخلاقی و آزمودن رفتار خود و دیگران ما را به مردمی بهتر تبدیل می‌کند.» (کالر، ۱۳۹۰: ۱۸) براساس این تعریف کاربرد ادبیات برای همه گروه‌های سنی ضروری به نظر می‌رسد. به خصوص برای کودکان که زندگی را با ذهن پاک و بی‌آلایش خود تجربه می‌کنند. بنابراین در بیشتر موارد نیازمند آموزش جهت ورود به عرصه زندگی‌اند. شعر به عنوان یکی از کاربردی‌ترین ابزار ادبیات در انتقال تجارب و آموزش به آن‌ها بسیار مورد توجه است؛ اما برخلاف سادگی ظاهری آن، کار آسانی نیست. گاهی حتی سرودن شعر برای کودکان بسیار سخت‌تر از سرایش شعر برای بزرگسالان است. چرا که زبان کودکانه نیازمند سادگی و روانی است. چنانکه کیانوش می‌نویسد: «طبیعی بودن و امروزی بودن دو اصل مهم است که باید در شعر کودک مورد توجه قرار گیرد. طبیعی یعنی ترکیب کلمات در جمله یا کلام یا مصراع هرچه بیشتر به ترتیب کلمات در گفتار نزدیک باشد و امروزی بودن زبان به این معنی که در شعر کودک زبان رایج امروز به کار رود.» (کیانوش، ۱۳۵۵: ۸۷) درحالی که اساس شعر بر تخیل شاعرانه و استفاده از صناعات ادبی است. «شعر شیوه غیرمستقیم بیان و اندیشه است، گریز از منطق عادی گفتار است و از این روی در گزارش لحظه‌ها و اندیشه‌ها، مردان هنری از صورت‌های گوناگون و شیوه ادای معانی به طریق غیرمستقیم استفاده می‌کنند.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۳: ۱۳۹) و این شیوه بیان غیرمستقیم در شعر گره‌هایی ایجاد می‌کند که خواننده با کشف این گره‌ها و گشودن آن‌ها از خواندن شعر لذت می‌برد. بنابراین شعر حتی از نوع کودک آن نیازمند تخیلی درخور است که بتواند مخاطبش را به کشف برساند، نه آن که از لفظ شاعرانه تنها و تنها برای سرگرم کردن مخاطبش بهره‌برد.

بیان مسأله

برخی شعرا برای دستیابی به زبان ساده، در بیان شعری خود از شاعرانگی فاصله گرفته‌اند و در این راه به خطا رفته‌اند و هستند شاعرانی که شیوه‌هایی را اتخاذ کرده‌اند که ضمن ایجاد فضای

کودکانه، همچنان فاصله شعر را با نظم و نثر حفظ کنند. آنان تنها به استفاده از زبان کودکانه بسنده نکرده و اگرچه شعری کودکانه سروده‌اند، با حفظ فصاحت کلام، بلاغت را هم از دست نداده‌اند.

در این زمینه سؤالات ذیل مطرح می‌شود که:

- ۱- چگونه می‌توان این گره‌های صناعی را ساده کرد؟
- ۲- چگونه باید از اصول و فنون بلاغت پیروی کرد؟
- ۳- کدام صنعت ادبی، مناسب به کارگیری در شعر کودک است؟

پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های بسیاری با موضوع بلاغت در چارچوب مقاله نوشته شده است؛ که بسامد و فراوانی فنون بلاغی و فصاحتی چند شعر از یک یا چند شاعر در آن‌ها مطرح گردیده و مورد بررسی قرار گرفته‌اند؛ مانند مقاله مظاهر نیکخواه (۱۳۹۱)، «بازتاب تشبیه در شعر کودک، مطالعه موردی کتاب شعر کودک» در فصلنامه پژوهش‌های نقد ادبی، محرمی و همکاران، (۱۳۹۶)، «بررسی و تحلیل عیوب فصاحت در شعر کودک»، در فصلنامه مطالعات زبانی بلاغی، عباس باقی‌نژاد، (۱۳۹۷)، «پیوند بلاغت و ابعاد و صفت در شعر هشت شاعر کودک»، در فصلنامه ادب فارسی، علی ارمغان، (۱۳۹۵)، «بررسی ساختاری حسن آمیزی در شعر کودک و نوجوان»، در فصلنامه پژوهش‌های ادبی و جعفر ابراهیمی، (۱۳۷۸)، «چهره دیگر شعر کودک - کتاب ماه و کودک و نوجوان»، در فصلنامه بهار ادب.

اما آنچه این تحقیق را از نمونه‌های مشابه مجزا می‌کند، بیان آسیب شناسی بلاغی و فصاحتی در شعر کودک است. این آسیب شناسی از میان ششصد شعر مورد مطالعه، انتخاب و بررسی شده است و نتایج به دست آمده از آن می‌تواند منبع مناسبی به شاعران این حوزه ارائه دهد.

روش تحقیق

با توجه به این که پس از سال‌ها فراز و فرود، امروزه دیگر شعر کودک به هویت مستقلی دست یافته‌است، پژوهش حاضر در نظر دارد فصاحت و بلاغت اشعار کودک را مورد بررسی قرار دهد.

برای رسیدن به این منظور از میان ۶۰۰ شعر منتشر شده در حوزه کودک (گروه سنی الف تا ج)، نمونه‌هایی از سه دهه (۷۰ تا ۹۰)، از نه شاعر انتخاب شده‌اند. شاعرانی که شعر آن‌ها در میان ادبا و یا در میان مخاطبان کودک مقبولیت داشته و شعر آن‌ها با معیارهایی که از بلاغت در کتب مرجعی همچون مطول تفتازانی، المعجم قیس رازی و معیار البلاغه ابوهلال عسکری طرح شده است، قابل انطباق بوده؛ البته به جهت جامعیت و روانی و کاربردی بودن کتاب صناعات ادبی جلال همایی، این کتاب نیز مبنای کار پژوهش حاضر قرار گرفته است.

از آن جایی که مجموعه صناعات ادبی یعنی بیان، بدیع و معانی بر روی هم بلاغت و فصاحت کلام را می‌سازند، در این پژوهش سعی شد از هر سه مبحث نمونه‌هایی از اشعار شاعران منتخب، ذکر شوند و در پایان به میزان توجه شعرای کودک به هر یک از این صناعات ادبی و فنون بلاغی طرح گردد. هدف اصلی پژوهش آسیب‌شناسی شگردهای به‌کارگیری این فنون بلاغی در شعر کودک است. در واقع این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که علوم بلاغی در شعر کودک چگونه به کار گرفته شوند که علاوه بر حفظ شاعرانگی، کودکانگی اثر از بین نرود. ✓ لازم به ذکر است که با توجه به این که کتاب‌های ارجاعی کودک اغلب شماره صفحه ندارند تنها به سال چاپ آن‌ها اکتفا شده است.

بحث و بررسی

۱. بلاغت و فصاحت در شعر

شعر به عنوان یکی از شاخه‌های تأثیرگذار و مخاطب‌پسند ادبیات بسیار مورد اهمیت و توجه است. وجود ریتم و آهنگ در این قالب ادبی و بازی‌های لفظی، آن را نزد مخاطب کودک دل‌انگیزتر کرده است؛ اما آهنگ و لفظ به بعد بیرونی و صوری شعر برمی‌گردد. آنچه یک شعر را در میان متون ادبی از دیگر متون مجزاً می‌کند، تنها نکات بیرونی و صوری آن همچون آهنگ عروضی نیست؛ وجود عناصر متعدّد و آهنگ درونی شعر است که در مجموع به آن‌ها فصاحت و بلاغت کلام گفته می‌شود. اما باید دید در شعر کودک چه کارکردی دارد.

بلاغت در اصطلاح عبارت است از «ایراد کلام فصیح به مقتضای حال شنونده و هر کلامی که از لحاظ ترکیب و کلمات خالی از عیوب دهگانه باشد (تنافر حروف، غرابت استعمال، کراهت در سمع و ...)، آن را کلام فصیح می‌گویند و چون به مقتضای حال و مقام شنونده ایراد شود آن را بلیغ خوانند. هر کلام بلیغی فصیح هم هست، زیرا لازمه بلاغت فصاحت است؛ اما به عکس هر کلام فصیحی بلیغ نیست و ارزش و اهمّیت کلام به بلاغت آن بستگی دارد.» (عسکری، ۱۳۷۲: ۳)

این تعریف پایه فنون بلاغی و فصاحتی را بر ما روشن می‌کند و تعاریف دیگر حول همین معنی می‌گردد؛ مانند: «کلمه در صورتی متّصف به فصیحی شود که از سه امر تنافر حروف، غرابت و مخالفت قیاس عاری باشد.» (هاشمی خراسانی، ۱۳۹۱: ۲۲۲)

شعر کودک از شدت سادگی و روانی که ضرورت اولیّه آن است و پرهیز از سه امر تنافر، غرابت و مخالفت قیاس بالذّاته فصیح و خالی از خلل جلوه می‌کند؛ اما چگونه اشعار کودکانه با وجود فصاحت صوری، از بلاغت ادبی هم برخوردارند؟ اگر چنین است، شاعر کودک براساس چه موازینی فصاحت و بلاغت را در شعر خود رعایت کرده است؟

۲-۱. تخیل و بلاغت

تخیل هم مانند بازی، سرگرمی و ریتم از مقتضیات کودکی است. از طرفی می‌دانیم که تخیل زمینه ساز بلاغت در شعر نیز هست. در واقع «تخیل کوششی است که ذهن هنرمند در کشف روابط پنهانی اشیا دارد یا نیرویی است که به شاعر امکان می‌دهد میان مفاهیم و اشیا ارتباط برقرار کند، پل بزند و چیزی را که قبل از او دیگری در نیافته، دریابد.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۸۹)

این عنصر به نوعی وجه مشترک دنیای کودکانه و شعر است. چرا که «هر کودک هنگام بازی مانند یک شاعر خیال پرداز رفتار می‌کند؛ یعنی دنیایی را خودش خلق می‌کند و رویدادها و موقعیت‌هایی را خود از این دنیا در کنار هم قرار می‌دهد و به شیوه جدیدی مرتّب می‌کند تا او را بیشتر خوشحال کند.» (هانت، ۱۳۸۶: ۲۴۱)

شاعر نیز با تخیل کردن و با کنار هم قرار دادن اشیا و موجودات و پیدا کردن رابطه بین آن‌ها شعری می‌سراید. همان‌گونه که کودک در بازی با تخیل خود موقعیت‌های دنیایی را بازسازی می‌کند.

«کودکان با ماجراهای تخیلی و بازی‌ها در حقیقت نوعی آموزش مقدماتی را برای زندگی پشت سر می‌گذارند تا هنگامی که به بزرگسالی می‌رسند، با واقعیت‌ها و وظایف بزرگ‌ترها بهتر کنار بیایند.» (چمبرز، ۱۳۸۸: ۶۵)

کودک با تخیل موجود در ادبیات برای خود جهان دوست داشتنی و شگفت‌انگیزی می‌سازد تا با غرق شدن در آن، آداب بهتر زندگی کردن را بیاموزد. پس کسانی که برای کودک می‌نویسند باید به فضای خیالی و ساختگی او توجه داشته باشند. اهمیت بروز فانتزی و تخیل در آثار کودکان از همین منظر سرچشمه می‌گیرد. «البته تخیلی فانتستیک؛ به این معنی که تخیل از مرزهای واقعیت عبور کند و بین زمان حال، گذشته و آینده ارتباط برقرار نماید.» (غفاری، ۱۳۷۹: ۸۳)

هرقدر این دنیای فانتزی بیشتر به زیور بلاغت آراسته شود فضای تخیلی ساخته شده هنرمندانه‌تر جلوه می‌کند و تأثیرگذاری آن در زندگی کودک بیشتر خواهد بود و این تخیل او را به سمت تفکر هدفمند سوق خواهد داد.

۳-۱. شگردهای به‌کارگیری بلاغت و فصاحت در شعر کودک

«بلاغت امری است که از جان و نظام ذهنی گوینده برمی‌خیزد و شکوفایی و توانمندی اندیشه و ذوق، او را آنچنان شکل می‌دهد که گفته و نوشته‌اش روان و رسا و لطیف و زیبا می‌شود.» (تجلیل، ۱۳۷۴: ۶)

با توجه به این معنی، آثار کودکانه طبیعتاً باید به بلاغت نزدیک‌تر از آثار غیرکودکانه باشند؛ چرا که «کلام ادبی باید دلنشین و مؤثر باشد و حتی موضوعات پیش پا افتاده و مبتذل را هم به صورت جذاب و قابل توجه ارائه دهد.» (شمیسا، ۱۳۷۳: ۴۵)

در شعر کودک هم که ضرورت اولیه سادگی و روانی کلام است و اصولاً وجه ممیز آن با یک اثر بزرگسالانه همین سادگی است؛ اما در یک اثر کودکانه چگونه می‌توان به لطافت و زیبایی، در

چارچوبی مشخص پرداخت و ملاک مشخصی برای سادگی و روانی طرح کرد؟ مسلماً پاسخ این مهم فراهم نمی‌شود مگر با نقد و تحلیل این آثار.

۱-۳-۱. استفاده از تشبیه در شعر کودک

با توجه به بررسی انجام شده، شاعر کودک به تشبیه توجه قابل ملاحظه‌ای نشان داده است. تشبیه‌های ملموس و حسی گاه از شدت سادگی، یک صنعت ادبی به نظر نمی‌رسند. چون در این گروه سنی هر قدر تشبیه ساده‌تر و ارکان تشبیه در شعر بارزتر باشد (تشبیه مرسل)، شعر برای مخاطب آن قابل فهم‌تر است.

– داداش من خیلی قشنگ است / مانند گل‌های بهاری / آواز می‌خواند برایم / مانند زنبور و قناری (شعبانی ب، ۱۳۹۱)

یا مانند شعر زیر که شاعر در آن با استفاده از تشبیه مرسل انگشتر را از نظرگردی به خورشید تشبیه کرده است:

... من روی فرش آن را / قل می‌دهم با دست / مانند یک خورشید / قل می‌خورد گرد است (کشاورز، الف، ۱۳۷۱)

یا در شعری دیگر باز شاعر با استفاده از تشبیه مرسل بندهای کفش را به سبب نرمی و رنگ به کرم باغچه تشبیه کرده و مضمون را در حد مخاطب خردسال باور پذیر کرده است:

بندهای کفش من / هردوشان نرم و شلند / مثل کرم باغچه / قهوه‌ای رنگ و بلند (همان: ۱۳۹۱)

یا در نمونه‌ای دیگر:

... همون پتو قشنگه / که خیلی نرمه / که مثل دست بابا / بزرگ و گرمه (همان: ۱۳۹۳)

زبان و بیان کودکانه همراه با احساسات ناب، تشبیه را ساده، ملموس، زیبا و خواندنی کرده است. البته همیشه به این ملموسی و باورپذیری نیست: مادرم با خنده‌ای / خواهرم را ناز کرد / یا که نه پروانه‌ای / غنچه‌ای را باز کرد (مزینانی، ۱۳۷۴)

ارکان تشبیه در این شعر برای مخاطب کودک مشخص و واضح نیست که آسیب‌شناسی جداگانه‌ای را می‌طلبد.

۳-۳-۱. استفاده از مجاز در شعر کودک

مجاز در شعر کودک کمتر مورد توجه شعرا قرار گرفته است. شاید به این خاطر که از صراحت کودکانه شعر می‌کاهد. بنابر این استفاده از آن به نحوی است که در فهم کودکانه خللی وارد نکند:

پروانه‌ای امروز / در کوچه ما بود... / او را صدا کردم / برگشت و من را دید / یک دفعه ماشینی / بوقی زد و ترسید (کشاوری، ب، ۱۳۷۱)

مخاطب کودک فاصله‌ای بین راننده ماشین و خود ماشین نمی‌گذارد و بالقوه این مسئله برایش قابل تمییز است.

در میان کوچه امروز / یک کلاغ مرده دیدم / خم شدم انگشت خود را / روی پرهایش کشیدم (همان: ۱۳۷۳) در این نمونه برای مخاطب دست کشیدن و انگشت کشیدن تفاوت معنایی ایجاد نمی‌کند.

۴-۳-۱. استفاده از ایهام و استخدام در شعر کودک

استفاده از فنی که شاعر کودک کمتر به آن پرداخته، ایهام است. شاید به این علت که دایره واژگانی مخاطبان محدود است و این محدودیت با محدود بودن کلمات ایهام دار دست به دست هم داده‌اند تا ایهام جزو صناعی باشد که کمترین بسامد کارکردی را در اشعار کودکانه داشته باشد. چرا که ایهام «کلمه یا عبارتی است که ذهن را بر سر دوراهی قرار دهد و ذهن نتواند در یک لحظه، یکی از آن دو را انتخاب کند.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۳: ۳۰۷) اما استفاده از ایهام‌دار کودکانه‌ای که بتوان آن‌ها را در شعر به کار گرفت، هم در زیبایی شعر و هم در بازی ذهنی کودک تأثیرگذار است و البته همانند شعر بزرگسال نوع ضعیف آن در مخاطب شوقی بر نمی‌انگیزد:

سبزی و آش رشته / کنار سفره امشب / نشسته یک فرشته (ماهوتی، ۱۳۹۶)

از آن جایی که همواره در ادبیات کودک تصویر مکمل کلام است و با توجه به این که در تصویر این شعر کودکی بر کنار سفره دیده می‌شود، استفاده از فرشته در این شعر، ایهام دارد.

اما در شعر زیر ارتباط معنایی استفاده از سنجاقک سر و حشره سنجاقک، شعر را شیرین تر کرده است و شاعر از آرایه استخدام بهره برده است:

تو یک سنجاقکی یا یک گل سر / به روی موی من بنشینی ای کاش / دو بال توریات خیلی قشنگ است / بیا سنجاقک موهای من باش (همان، الف: ۱۳۹۳)

مادرم یک شال داشت / او ولی آن را شکافت / او برایم یک کلاه / با نخ آن شال بافت / ... رنگ آن هم نقره ای است / مثل رنگ و روی ماه / این کلاه ماه را می گذارم بر سرم ... (کشاورز، ب: ۱۳۷۱)

که شاعر مفهوم دو پهلوی ماه را در تقویت و استحکام تشبیه خود به کار گرفته است. بنابراین از تشبیه بلیغ بهره برده است. البته کلمه ماه در اصطلاح کودکانه به معنای خوب به کار می رود که شاعر نیز بعید نیست به همین منظور از آن بهره برده باشد. در این صورت باید گفت استفاده شاعرانه از تشبیه بلیغ و تکرار کلمه ماه ایهام ذهنی ایجاد کرده است.

۱-۳-۵. استعاره مکنیه در شعر کودک

اگرچه استفاده بی شمار از استعاره مکنیه یا تشخیص؛ یعنی استفاده از مشبیه که ویژگی انسانی به آن نسبت داده می شود، در شعر کودک قابل توجه است؛ اما آنچه در این مقاله مورد پژوهش قرار گرفته، میزان به کارگیری این فن در شعر کودک نیست؛ شیوه به کارگیری آن است تا بلاغت و فصاحت حاصل از آن مورد نقد و بررسی قرار گیرد:

- *اتل متل کوه / کوه دماوند / به من از اون دور / می زنه لبخند (کشاورز: ۱۳۹۶)*

- *صندلی مون خسته شده / کنج اتاق نشسته (قاسم نیا: ۱۳۸۸)*

در این دو نمونه، استفاده از تشخیص فضای شعر را به خیال نزدیک کرده و شعر کودکانه تر، حسی تر و ملموس تر شده است. لبخند زدن یک کوه با همه عظمتش به کودکی که در حال تماشای او است، یا نشستن یک صندلی شکسته مانند انسانی که از شدت خستگی بر زمین می نشیند، فضای حاضر را برای مخاطب کم سن و سال قابل فهم و درک می کند.

گاهی استعاره در فضای شعرچنان همراه با زبان، بیان و لحن مناسب به کار گرفته می شود که تمایز استعاره از فانتزی، ساده به نظر نمی رسد؛ مثلاً در بیت:

بادبادکم راه افتاد/ دوید به دنبال باد (شعبان نژاد، ۱۳۹۱)

ویژگی دویدن و راه افتادن بادبادک چنان با صفات ذاتی بادبادک که حرکت و روندگی (دویدن) با باد است همراه شده که صنعت تشخیص در شعر برجسته نشده است. یا در شعر زیر شاعر برای نشان دادن صفت مهربانی درخت توت از تعبیر دوست داشتن استفاده کرده که نتیجه مهربانی است و نمونه‌ای از مهربانی او را که تقدیم کردن میوه‌هاست، بر آن افزوده تا مخاطب خود تصویری ملموس و قابل فهم را متصور شود:

درخت توت کوچه / گنجشکارو دوست داره / برای بچه‌ها هم / بارون توت می‌باره (شعبانی: ۱۳۹۳)

یا وجه شبه ریختن توت از درخت و ریزش باران همراه با استعاره مصرحه، درک تخیل شعر را آسان‌تر کرده است. یا در نمونه زیر:

– بلبله با نوکش زود / قطره آبو برداشت / مثل یه خال خوشگل / روی لبای گل کاشت (قاسم نیا: ۱۳۸۹)

اگرچه تشبیه آب به خال ملموس و عینی است؛ اما استفاده از استعاره مکنیه لب کمی گروه سنی را بالا برده است. با وجودی که مضمون و لحن کودکانه است؛ اما استعاره آن برای کودک قابل درک نیست.

۱-۶۳. استفاده از چند شیوه بلاغی

گاهی شاعر با استفاده از فنون دیگر در کنار تشخیص سعی دارد شعرش از شاعرانگی و کودکانه‌گی بیشتری برخوردار شود. استفاده از چند شیوه بلاغی کنار هم یا شرح یک صنعت ادبی و استفاده از موقعیت‌ها و توصیف‌های کودکانه و قابل فهم، در سهولت درک مخاطب تأثیر بسزایی دارد و شعر به مراتب تأثیرگذارتر می‌شود؛ چون با این کار شاعر هم بلاغت را مدنظر داشته، هم تلاش کرده فصاحت کلام حفظ شود:

– چاقو تو آشپزخونه گرم کاره / اون جا که باشه خطری نداره (رحماندوست: ۱۳۹۲)

شاعر با جان بخشیدن به چاقو و فانتزی ایجاد شده سعی کرده ذهن کودک را مهیای دریافت نکته‌ای آموزشی کند و برای برجسته‌تر کردن این فن، آن را با کنایه «گرم کار بودن» همراه کرده است.

- در کوچه وقتی پهن کرد او { پاییز } / جاجیم رنگارنگ خود را / گنجشک‌ها دیدند و گفتند / به به به به
این جاجیم زیبا (کشاورز، الف: ۱۳۷۱)

شاعر با جان بخشیدن به پاییز، همراه با استعاره مصرحه جاجیم برای برگ‌های رنگارنگ، خیال‌انگیزی اثر را دو چندان کرده است. پاییز گویی زنی است که از برگ‌های رنگارنگش جاجیمی خوش نقش بر کوچه می‌گستراند. یعنی شاعر با تشبیه برگ‌های رنگارنگ به جاجیم و همنوایی گنجشک‌ها، فضای خیال‌انگیزی را متصور شده است.

اما همیشه استفاده از فنون متعدّد باعث استحکام شعر و فهم بیشتر مخاطب کودک نمی‌شود؛ بلکه باعث اختلال است:

- من زندگی را می‌شناسم / او آفتاب مهربانی است. (کیانوش: ۱۳۷۰)

شاعر با آوردن ضمیر او و استفاده از فعل شناختن، زندگی را به انسانی آشنا تشبیه کرده؛ اما در مصراع دوم با آوردن اضافه تشبیهی مفهوم را برای این مخاطب سخت کرده است. یا در مثالی دیگر:

- مادرم مانند کوه است / رخت‌ها هم ابر انبوه / ناگهان گل می‌کند باز / آفتابی بر لب کوه (شعبانی: ۱۳۶۹)

گاهی استفاده از فنونی که معنا را دو پهلو می‌کنند، فهم شعر را برای مخاطب دشوار می‌کند:

هُلَف هُلَف می‌خوردن / از علفای تازه / هاپولی گفت یواش‌تر / که روز قدش درازه (شعبان نژاد:

الف: ۱۳۹۵)

مخاطب کودک ابتدا استعاره پنهان بلندی قد را برای روز در ذهن می‌آورد و بعید است منظور کنایی شاعر را که طولانی بودن روز است، درک کند.

۴-۱. عوامل مخلّ در بلاغت شعر کودک

گاه تنها استفاده از یک کلمه که در دایره لغات کودک نیست، می‌تواند در بلاغت اختلال ایجاد کند. مثلاً در همین نمونه اخیر استفاده از کلمه «جاجیم» اگر چه از نظر مخاطب بزرگسال انتخاب

خوبی است؛ ولی استفاده از کلمات قالی یا فرش به جای آن برای مخاطب کودک مناسب‌تر و ملموس‌تر به نظر می‌رسد و به بلاغت شعر می‌افزاید. همچنین استفاده از استعارهٔ مکنیه (تشخیص) و استعارهٔ مصرّحه کنار هم، فضای شعر را برای فهم کودک کمی سخت کرده است. یا در نمونهٔ زیر ایجاد فضای شاعرانه، از زبان و درک این گروه سنی پیشی گرفته و فهم شعر را برای مخاطب مشکل کرده است. «انتقال یک تجربه به مخاطب بزرگسال شاید کار دشواری نباشد؛ ولی زمانی که مخاطب کودک است حتماً دشوار خواهد بود و زبان دیگری می‌طلبد.» (ارمغان، ۱۳۹۵: ۳۶)

با وجودی که در علم بیان، استفاده از کنایه همانند تشخیص کاربرد فراوانی در شعر کودک دارد، استفاده نادرست از آن اخلاص ایجاد کرده است:

ماشین آشغالی می‌آد / آشغالامونو می‌بره / گربه می‌آد و می‌بینه / که بچه نیست و جا تره (قاسم‌نیا: ۱۳۹۱)

اگر چه قافیۀ «می‌بره و تره» آهنگ و لحنی خوش ایجاد کرده، استفاده از کنایه «نبودن بچه و تر بودن جا» برای این گروه سنی نامناسب و غیرقابل فهم به نظر می‌رسد. و یا در شعر دیگری استفاده از کنایۀ «خط و نشان کشیدن» مناسب به نظر نمی‌رسد و برای مخاطب قابل درک نیست:

— گربه سیاهه رفت عقب / پرید رو پشت بومشون / حسنی براش با چوب کشید / روی هوا خط و نشون (همان: ۱۳۹۷)

بنابر این اگر شاعر از کنایه به جا و در چارچوب زبان کودکانه استفاده کند، شعرش را ارتقاء می‌بخشد؛ اما اگر به درستی از اصطلاحات بهره نبرد و یا به قابل درک بودن آن کنایه نزد مخاطب توجه نکند، شعر او از کودکانگی فاصله می‌گیرد.

کلاغه گفت قار و قار / چی کار به کارت دارم / بی خود خیال می‌کنی / چشم به انارت دارم (قاسم‌نیا: ۱۳۹۲)

چشم داشتن به چیزی در کنار باقی مصراع‌ها مناسب نشسته و مفهوم را به مخاطب رسانده و مفهوم کنایی چشم داشتن و نگاه کردن کلاغ به انار در تطابق و تکامل یکدیگر آمده‌اند. یا در موارد زیر که کنایات به کار گرفته شده، هم کودکانه و هم قابل فهم و دلنشین به نظر می‌رسند:

– خریدار نداشتن: تنهای تنها می‌مونی / دوست و خریدار نداری (رحماندوست: ۱۳۹۵)

تنها ماندن و خریدار نداشتن در مترادف با یکدیگر آمده‌اند.

خاله ریزه رفت از اون محل / به جایی تازه پا گذاشت / تموم اسباب‌هاشو برد / اما دلش رو جا گذاشت (قاسم نیا: ۱۳۹۲) اگرچه همه چیز را با خود می‌برد؛ ولی دل مثل اثاث نیست که بتواند به راحتی جا به جا کند.

یا گرم خواب بودن در تناسب با نداشتن لحاف و تشک در ابیات زیر برای مخاطب خوب معنا می‌شود: بره‌ها دسته جمعی / رو سبزه‌ها می‌خوابند / لحاف تشک ندارند / اما چه گرم خوابند (همان: ۱۳۹۶) نداشتن لحاف و تشک مصراعی است که گویی به درستی برای نداشتن جا و مکان آمده است. و گرم بودن از خواب، آن قدر در کنار نداشتن لحاف و تشک خوب نشسته که عمق و شدت خواب را القا می‌کند.

و به عکس در این شعر: بهار تا رسید / گل از گل درخت‌ها شکفت / بهار روی شاخه‌ها نشست / و شعری از شکوفه و جوانه گفت (ماهوتی، الف: ۱۳۹۳)

کنایه گل از گل شکفتن در معنی خندیدن و خوشحال شدن است. اما آیا این کنایه در دایره فهم مخاطبان قرار دارد و شعر را مبهم و غیربلاغی نکرده است؟ بنابراین هرگاه شاعر کنایه را در شعر خود شرح داده، در تفهیم و تلطیف شعر کودکانه موفق‌تر و به فنون بلاغی نزدیک‌تر بوده است:

پدرحالش خراب است / لباسش پاره پاره / خودش هم مثل چرخش / شده پنچر دوباره (همان:

۱۳۹۴)

کنایه پنچر شدن با خراب بودن حال و داشتن سر و وضعی نامناسب مترادف شده و بر بلاغت افزوده است:

مامان من همیشه / در خانه گرم کار است / یک جا نمی نشیند / بی تاب و بی قرار است (کشاورز: ۱۳۹۰)

این بیت گرم کار بودن با یک جا ننشستن شرح داده شده و در مقایسه با شعر زیر کامل تر به نظر می رسد:

چاقو تو آشپزخونه گرم کاره / اون جا که باشه خطری نداره (رحماندوست: ۱۳۹۲)

۱-۵. عیوب فصاحت در شعر کودک

ظاهر بسیار ساده شعر کودک برخی را به این خطا انداخته که برای سرودن اشعار کودکانه به معیار خاصی نیاز نیست! البته این فرضیه ای نادرست است. چرا که شاعر کودک باید با حفظ شاعرانگی و اصول بلاغی، مضمونش را در کوتاه ترین عبارات به مخاطب منتقل کند که کاری بسیار هنرمندانه است؛ اما در میان اشعار سروده شده کودکانه به موارد متعددی برمی خوریم که از عیوب فصاحت به شمار می آیند:

گاه شاعر کودک مانند بسیاری از شعرای بزرگسال با قافیه سازی از فصاحت و بلاغت کلام فاصله گرفته است. با مقایسه قوافی در دو شعر زیر:

گفت که باید فوری برم / گله رو پیداش بکنم / اگر که این جوری بشه / باید نیناش ناش بکنم!
(شعبان نژاد: ۱۳۹۵)

گل اگه تشنه شد مامان / برام یه آب پاش می خره / آبش می دم، آب برا گل / نیناش نیناش ناش
می خره! (رحماندوست: ۱۳۸۶)

در هر دو شعر از قافیه «نیناش ناش» استفاده شده که در اولی بجای و در دومی تنها برای ساختن قافیه با کلمه «پاش» همراه شده است.

یا کاربرد کلمه «لوس» در شعر زیر:

هاپولی که گیج و ویج بود / گفت کو کجاست عروسی؟ / گله حسابی خندید / گفت هاپولی چه
لوسی (شعبان نژاد: ۱۳۹۵)

در واقع این همان نکته‌ای است که در علم فصاحت تأکید به پرهیز از آن شده است؛ یعنی؛ «آن چه به ضرورت شعری معروف است و معمولاً مخلاً فصاحت است و حتی المقدور شاعر نباید به مسئله ضرورت تن در دهد.» (شمیسا، ۱۳۷۳: ۵۵)

یک موش چاق با خنده / تگه ای از او کنده / (ماهوتی: ۱۳۸۸) که در این بیت خنده تنها برای قافیه شدن با کنده آمده است.

یا در نمونه‌ای دیگر، با وجودی که در زبان شکسته، کوش به جای کو و کجاست به کار می‌رود، به کارگیری آن در شعر زیر به ضرورت و برای پر کردن قافیه و همراهی با موش آمده است:

روی کلاه من بود / عکس دو تا بچه موش / گربه به من بگو زود / کلاه قرمزم کوش (قاسم‌نیا: ۱۳۹۶)

یا در شعری دیگر برای ساخت قافیه شاعر از کلمات عمو و او استفاده کرده است، در حالی که عمو جز در قافیه سازی کاربرد و نقش دیگری ندارد:

دس دسی عمو می‌آد / عمه جونم با او می‌آد / دس دسی بابا می‌آد.... (شعبان‌نژاد، د: ۱۳۹۵)

نمونه دیگری از عیوب فصاحت مخالفت با قیاس یا به کاربردن کلماتی است که از نظر دستوری نادرستند:

جلو می‌آد می‌شینه / بربل حوض آبی / ماهی طلا می‌فهمه / قایم می‌شه حسابی (شعبانی، ج: ۱۳۹۱)

کلمه حسابی فقط برای پر کردن قافیه آمده و کاربرد دستوری درستی ندارد. چرا که شاعر به جای استفاده از قید حالت، از قید حسابی که در زبان عامیانه مقدار را نشان می‌دهد، استفاده کرده است.

یا در نمونه زیر، شاعر از قید حسابی در جمله منفی استفاده کرده که مناسب و درست به نظر نمی‌رسد: چون کار و بارمون حسابی جور نیست ... (شعبان‌نژاد، الف: ۱۳۹۵)

یا در نمونه‌ای دیگر:

تب داره خاله سوسکه / از تب داره می سوزه / بیچاره سرماخورده / الان یکی دو روزه (قاسم‌نیا: ۱۳۹۶) یا الان یا یکی دو روز، استفاده از هردو قید غلط به نظر می‌رسد.

یا در نمونه زیر، با استفاده از حرف اضافه نادرست، نمونه دیگری از ضعف تألیف را می‌بینیم:

باز هم از پشت کوهی / خنده زد خورشید روشن / باز در صحرای پرگل / سایه‌ام را داد بر من (شعبانی، ب: ۱۳۹۱) بر من یا به من؟

گاهی شعرا در ساخت شعر، مجبور به حذف فعل به قرینه معنوی می‌شوند که این کار شعر را برای مخاطب سخت و نامفهوم می‌کند و به عبارتی در فهم مخاطب و روانی شعر کودک نوعی تعقید لفظی (ضعف تألیف) ایجاد می‌کند که از عیوب فصاحت به شمار می‌رود:

آن وقت من حس می‌کنم / در آرزوی یک کشم / یک تگه کش می‌آورم / محکم به دورش می‌کشم. (ماهوتی: ۱۳۹۴) در واقع من در آرزوی داشتن یک کش هستم.

وقتی که شادم / دل سبزه زاری / در نوبهاری ... {است} (کیانوش: ۱۳۷۰)

اما مواردی هم وجود دارند که تنها در شعر کودک اهمیت پیدا می‌کنند و در واقع در بلاغت و فصاحت شعر کودک نقش اساسی را به عهده دارند. مثلاً هر قدر ارکان جمله مرتب‌تر باشند، شعر برای کودکان روان‌تر و قابل‌فهم‌تر می‌شود. در شعر زیر این به هم ریختگی با تأخیر در آمدن فاعل همراه است که رشته کلام را از دست مخاطب بیرون می‌برد:

عروس شدن درختا / دارن هزار تا مهمون / بال می‌زنن می‌خونن / پرنده‌ها براشون (ماهوتی، ب، ۱۳۹۳) فاعل که پرنده‌ها هستند خیلی دیر آمده و این طور به نظر می‌رسد که درختان بال می‌زنند و می‌خوانند.

اتاق خوب ما شده / چادر نماز گل گلی ... (همان: ۱۳۸۴)

این طور به نظر می‌رسد که اتاق چادر نماز شده است، در صورتی که برعکس است. این به هم ریختگی هنگام استفاده از افعال مرکب بیشتر به چشم می‌آید و از زیبایی لفظ و روانی آن می‌کاهد:

باد سبز نوبهاری / روستا را کرده جارو / می‌کنه باز آب پاشی / نم نم گل‌های خوش‌بو (شعبانی، د: ۱۳۹۱): روستا را جارو کرده.

من اونو هدیه می دم / به مادر عزیزم / می کنه او تشکر / از من و سینه ریزم (شعبانی: ۱۳۸۶): او تشکر می کنه...

دادم به آنها / از جان و دل گوش / کردم به کلی / خود را فراموش (کیانوش: ۱۳۶۹): خود را فراموش کردم.

گرگه اومد بی صدا / تا که رسید به صحرا / پشت یه تپه ایستاد / گلّه رو کرد تماشا / (شعبان‌نژاد، ج: ۱۳۹۵): گلّه را تماشا کرد.

گاهی شاعر از فعل مرکب استفاده نکرده؛ اما جلوتر آمدن فعل نسبت به فاعل و مفعول از روانی کلام کاسته و شعر به تعقید لفظی افتاده است:

من کمی از حرفش / می شوم ناراحت / خودم آخر روزی / می خرم یک ساعت (کشاورز، الف: ۱۳۷۱)

«گاه شعر یا ترانه یک شاعر فاقد یکدستی لحن است؛ مثلاً از معیار به شکسته نویسی یا به عکس در نوسان است. سواد آموزی برای کودک به خودی خود کاری شاق است؛ بنابراین اگر از او بخواهیم همزمان، برای هر کلمه‌ای که یاد می‌گیرد معادل شکسته آن را نیز یاد بگیرد، این مشکل را دو چندان کرده‌ایم.» (صلح جو، ۱۳۹۵: ۳۸) چه رسد به این که ما از هر دو شیوه در نگارش متن استفاده کنیم:

موش موشک‌ها می خورند / پنیر و گردو / اون‌ها را خوب می بینه / گر به اخمو / (شعبانی، ه: ۱۳۹۱)

فعل می خورند به زبان معیار آمده؛ ولی آنها و می بینند به زبان شکسته.

همه پوست دارند / منم پوست دارم / من پوست خود را / خیلی دوست دارم / چون که تن من / توی این پوسته / پوست من برام / بهترین دوسته (شعبانی: ۱۳۹۳)

در این شعر هم فعل «دارند» و ترکیب «پوست خود، تن من»، به زبان معیار آمده؛ ولی «برام، پوسته و دوسته» به زبان شکسته آمده است. همچنین در شعر زیر:

یه پله / دوپله / از پله‌ها بالا می‌روم / تا برسم به خانه ... (رحماندوست: ۱۳۹۳)

گاهی تعقید لفظی در بیان شاعر به علت چند موضوعی شدن پدید می‌آید و فضای شعر کودکانه را پیچیده می‌کند و فهم آن را سخت و از بلاغت و فصاحت می‌کاهد:

هم‌رنگ آفتاب است / گل‌های روی قالی / شاد است و گرم و روشن / این صبح پرتقالی (ماهوتی، الف: ۱۳۹۳)

هم‌رنگی گل‌های قالی با آفتاب یک موضوع، گرم و روشن و همچون پرتقال شاداب و خوش‌رنگ بودن صبح موضوع دیگری است که ذهن مخاطب را درگیر فهم اجزاء شعر می‌کند و این مقدمه‌ای نیست که برای ادامه شعر ضروری به نظر برسد و کودک را از اصل ماجرا دور کرده است.

گاهی شاعر موضوعی را در شعر تکرار کرده است و نوعی حشو به کار برده که ضروری به نظر نمی‌رسد:

اسمش چیه؟ ازدهاست / فقط توی کتاب‌هاست ... / نون و پنیر و پسته / خونه ش کجاست؟ تو قصه (ابراهیمی: ۱۳۸۶)

اما بیشترین مشکل در شعر کودک، وجود اشکال‌های مفهومی است:

انبوه پرندگان دریایی / در آینه تو { ای دریا } لانه می‌گیرند! / خفته در موج‌بار گردش تو / آرزوی بلند میهن ما (شعبانی، الف: ۱۳۹۱)

آیا مفهوم تصویری که شاعر برای مخاطب کودک ساخته قابل فهم است؟

خورشید هم با چشم من / هرروز روشن می‌شود (ابراهیمی، ۱۳۸۶) که منظور شاعر بیدار شدنش هنگام طلوع آفتاب است. باید دید چقدر از مخاطبان منظور او را درک می‌کنند.

سروها زیر چادری گلدار / حمد خود را چه بی‌صدا خواندند (مزینانی، الف: ۱۳۷۷) در این بیت منظور شاعر از چادر برای مخاطب مشخص نیست.

نتیجه گیری

شعر کودک با همه سادگی صوری آن، نیازمند توجه، دقت و تأمل بیش از حد است. شاعر کودک برای جذب مخاطب ملزم به استفاده از کلمات ساده و آرایه‌های قابل فهم است؛ اما نباید فراموش کند، پیمانه‌ای که قصد دارد اندیشه‌هایش را در آن بریزد، شعر است. پس برای نزدیک شدن به این مقصود بهتر است آن را به آرایه‌های ادبی مزین کند. آرایه‌هایی که بتواند در روح، جان و فکر مخاطب تأثیر گذارد.

شاعر با پرهیز از هر اطناب بی‌موردی کمک می‌کند تا مخاطبش ارتباط اشیا و اجرام را دریابد. اگرچه این کار سهل به نظر می‌رسد؛ ولی ممتنع است.

شاید به همین خاطر بیشتر شاعران کودک به جای شعر به نظم روی آورده‌اند؛ اما آن چه شعر یک شاعر را طی سال‌ها ماندگار، زیبا و خواندنی می‌کند، تلاش شاعر برای استفاده بیشتر از امکانات شاعری است.

در بررسی‌های انجام شده، این مهم به دست آمد که هر قدر شاعر کودک مواردی را که باعث ایجاد فصاحت و بلاغت می‌شود ساده‌تر بیان کرده، یا در کلام خود موارد بلاغی را شرح و بسط داده است و به اصطلاح باز کرده است، هم به زبان کودکان نزدیک شده، هم شاعرانگی شعرش حفظ شده است.

اگر چه تشخیص برای ایجاد فضای مطلوب و کودکانه شعر مناسب است و تخیل اثر را بهبود می‌بخشد؛ اما استفاده از کنایه و مجاز و استعاره نیز وقتی هوشمندانه به کار گرفته شوند، در بهبود فضای شعری و نزدیک کردن آن به بلاغت و فصاحت بیشتر، تأثیرگذارند.

✓ براساس پژوهش حاضر:

- ۱- برای ایجاد بلاغت در شعر کودک استفاده از استعاره مکتبه ضروری به نظر می‌رسد.
- ۲- همراه کردن استعاره مکتبه یا هر مورد بلاغی دیگر با شرح و بسط، فهم شعر را برای مخاطب کودک آسان‌تر می‌کند.
- ۳- اگر در کاربرد برخی از موارد عیوب فصاحت در شعر بزرگسال می‌توان چشم پوشید، در شعر کودک نمی‌توان؛ چرا که نه تنها مخل فصاحتند؛ بلکه فهم شعر را برای کودک مشکل می‌کنند.
- ۴- هر قدر ترتیب ارکان جمله بیشتر رعایت شده، شعر ساده‌تر و قابل فهم‌تر شده است.

فهرست منابع و مآخذ

الف: کتاب‌نامه

- ۱ - ابراهیمی، جعفر، (۱۳۸۶)، *شعرهای بارانی*، تهران: منادی تربیت، چاپ پنجم.
- ۲ - تجلیل، جلیل، (۱۳۷۴)، *معانی و بیان*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ هفتم.
- ۳ - چمبرز، دیویی، (۱۳۸۸)، *قصه‌گویی و نمایش خلاق*، ترجمه ثریا قزل ایاغ، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول.
- ۴ - رحماندوست، مصطفی، (۱۳۹۲)، *ترانه‌های ایمنی*، تهران: افق، چاپ سوم.
- ۵ - _____، (۱۳۹۵)، *یک اخمو و یک دندان*، تهران: سوره مهر، چاپ اول.
- ۶ - _____، (۱۳۸۶)، *ترانه‌های مامانی*، تهران: کانون پرورش فکری، چاپ اول.
- ۷ - شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۷۳)، *موسیقی شعر*، تهران: آگاه، چاپ چهارم.
- ۸ - _____، (۱۳۸۰)، *ادوار شعر فارسی*، تهران: سخن، چاپ اول.
- ۹ - شعبان نژاد، افسانه، (الف) (۱۳۹۵)، *خواب بره*، تهران: سوره مهر، اول.
- ۱۰ - _____، (ب) (۱۳۹۵)، *خواب آتش*، تهران: سوره مهر، چاپ اول.
- ۱۱ - _____، (ج) (۱۳۹۵)، *خواب مترسک*، تهران: سوره مهر، چاپ اول.
- ۱۲ - _____، (د) (۱۳۹۵)، *دس دسی بابا می‌آد*، تهران: به نشر، چاپ هشتم.
- ۱۳ - شعبانی، اسدالله، (۱۳۹۳)، *پولک به پولک*، تهران: پیدایش، چاپ اول.
- ۱۴ - _____، (الف) (۱۳۹۱)، *راز دریا*، تهران: مدرسه، چاپ اول.
- ۱۵ - _____، (ب) (۱۳۹۱)، *هوای نوبهار*، تهران: مدرسه، چاپ اول.
- ۱۶ - _____، (ج) (۱۳۹۱)، *یه عالمه گل*، تهران: زیتون، چاپ هشتم.
- ۱۷ - _____، (د) (۱۳۹۱)، *شب آمد و ستاره*، تهران: زیتون، چاپ نهم.
- ۱۸ - _____، (۱۳۸۶)، *ترانه‌های مامانی*، تهران: کانون پرورش فکری کودکان، چاپ اول.
- ۱۹ - _____، (ه) (۱۳۹۱)، *چه دنیای قشنگی*، تهران: زیتون، چاپ هشتم.
- ۲۰ - _____، (۱۳۶۹)، *ساز من ساز جیرجیرک*، تهران: زیتون، چاپ اول.
- ۲۱ - شمیسا، سیروس، (۱۳۷۳)، *معانی*، تهران: میترا، چاپ دوم.

- ۲۲ عسکری، ابوهلال حسن بن عبدالله، (۱۳۷۲)، *معیار البلاغه*، تهران: دانشگاه تهران.
- ۲۳ غفاری، سعید، (۱۳۷۹)، *گامی در ادبیات کودکان و نوجوانان*، تهران: دبیزش، چاپ اول.
- ۲۴ قاسم‌نیا، شکوه، (۱۳۸۸)، *یه بوس محکم*، تهران: قدیانی، چاپ اول.
- ۲۵ - _____، (۱۳۹۱)، *ترانه‌های شهر*، تهران: نشر شهر، چاپ سوم.
- ۲۶ - _____، (۱۳۹۲)، *شعرهای شیرین برای بچه‌ها*، تهران: قدیانی، چاپ سوم.
- ۲۷ - _____، (۱۳۹۶)، *تاتی کوچولوها*، تهران: قدیانی، چاپ اول.
- ۲۸ - _____، (۱۳۸۹)، *دلم یه گنجشک داره*، تهران: چکّه، چاپ اول.
- ۲۹ کالر، جانانان، (۱۳۹۰)، *تئوری ادبی*، ترجمه حسین شیخ الاسلامی، تهران: افق، چاپ اول.
- ۳۰ کشاورز، ناصر، (۱۳۹۶)، *همچین و همچین*، تهران: شهر قلم، چاپ سوم.
- ۳۱ - _____، (الف) (۱۳۷۱)، *پاییز خانم*، تهران: کانون پرورش فکری، چاپ اول.
- ۳۲ - _____، (۱۳۹۰)، *مامان چه قدر خوب است*، تهران: سوره مهر، چاپ اول.
- ۳۳ کیانوش، محمود، (۱۳۶۹)، *زیان چیزها*، تهران: کانون پرورش فکری، چاپ اول.
- ۳۴ - _____، (۱۳۷۰)، *باغ ستاره‌ها*، تهران: کانون پرورش فکری، چاپ اول.
- ۳۵ - _____، (۱۳۵۵)، *شعر کودک در ایران*، تهران: آگاه، چاپ اول.
- ۳۶ ماهوتی، مهری، (الف) (۱۳۹۳)، *سنجاقک*، تهران: آبرنگ، چاپ اول.
- ۳۷ - _____، (۱۳۹۶)، *مهر صد آفرین*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
- ۳۸ - _____، (۱۳۹۴)، *بچه پیراهن*، تهران: کانون پرورش فکری، چاپ اول.
- ۳۹ - _____، (۱۳۸۸)، *این چیه*، تهران: نسل نواندیش، چاپ اول.
- ۴۰ - _____، (ب) (۱۳۹۳)، *عروسی درختا*، تهران: آبرنگ، چاپ اول.
- ۴۱ - _____، (۱۳۸۴)، *من جوجه شدم*، تهران: به نشر، چاپ اول.
- ۴۲ مزینانی، محمدکاظم، (الف) (۱۳۷۷)، *خدای جیرجیرک‌ها*، تهران: پیدایش، چاپ اول.
- ۴۳ - _____، (ب) (۱۳۷۴)، *تنها انار خندید*، تهران: کانون پرورش فکری، چاپ اول.
- ۴۴ هاشمی خراسانی، ابومعین حمیدالدین، (۱۳۹۱)، *مفصل شرح مطول*، قم: حاذق، چاپ اول.
- ۴۵ هانت، پیتر (۱۳۸۶)، *درک ادبیات کودکان جهان*، محمود نورمحمدی، تهران: سایه گستر، چاپ اول.

ب: مقالات

- ۴۶ ابراهیمی، جعفر، (۱۳۷۸)، «چهره دیگر شعر کودک»، کتاب ماه و کودک و نوجوان، فصلنامه بهار ادب، شماره ۲۷، صص: ۱۶-۳۹.
- ۴۷ ارمغان، علی، (۱۳۹۵)، «بررسی ساختاری حسن آمیزی در شعر کودک و نوجوان»، فصلنامه پژوهش‌های ادبی، سال ۱۳، شماره ۵۳، صص: ۳۶-۵۴.
- ۴۸ جاقی نژاد، عباس؛ باباسالار، اصغر، (۱۳۹۷)، «پیوند بلاغت و ابعاد و صفت در شعر هشت شاعر کودک»، مجله ادب فارسی، شماره ۲۲، پائیز و زمستان، صص: ۱۰۳-۱۱۹.
- ۴۹ صلح جو، علی، (۱۳۹۵)، «بحثی در مبانی ترجمه»، نشر دانش، شماره ۳۵، صص: ۱۷-۲۵.
- ۵۰ نیکخواه، مظاهر؛ نیکخواه، نفیسه، (۱۳۹۱)، «بازتاب تشبیه در شعر کودک (مطالعه موردی کتاب شعر کودک)»، مجله پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی، شماره ۷، بهار، از صص: ۱۵۸-۱۴۱.
- ۵۱ محرمی، رامین؛ اسدالهی، خدابخش؛ پورالخاص؛ شکراله؛ فروغی زاد، پیام، (۱۳۹۶)، «بررسی و تحلیل عیوب فصاحت در شعر کودک»، دو فصلنامه مطالعات زبانی و بلاغی، دوره ۸، شماره ۱۵، بهار و تابستان، صص: ۱۴۱-۱۵۸.